

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۱۵، پیاپی ۱۰۰، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تحلیل گفتمانی متن مذاکرات مجلس در باره ترور شاه در سال ۱۳۴۴

علی‌رضا ملائی توانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۲۱

چکیده

در ۲۱ فروردین سال ۱۳۴۴ از سوی یکی از سربازان گارد سلطنتی به شاه سوء قصد شد. این حادثه در محافل خبری داخلی و رسانه‌های خارجی به صورت‌های گوناگون، تفسیر و ارزیابی شد. مسئله این است که مجلس شورای ملی به این حادثه چه واکنشی نشان داد. با توجه به اهمیت و حساسیت این حادثه، مجلس در چند نوبت این موضوع را بررسی کرد و نمایندگان مجلس واکنش‌های مهمی به این رخداد نشان دادند که در نوع خود منحصر به فرد بود. متن مذاکرات نمایندگان مجلس از دیدگاه تحلیل گفتمانی به ویژه از لحاظ نوع تعبیرهای ایدئولوژیک به کاررفته در آن دارای اهمیت بسیار است. این مقاله قصد دارد با روش تحلیل گفتمانی، مواضع نمایندگان مجلس را ارزیابی کند و پیش فرض‌ها، ایدئولوژی پنهان

و کارکرد اجتماعی آن را آشکار سازد و پیوند آن را با نهاد قدرت، بررسی کند. مقاله، سرانجام به این نتیجه می‌رسد که در متن این مذاکرات، نظام سلطنت و شخص شاه، راز اصلی سربلندی ایران و علت ثبات و پایداری کشور شمرده شدند و این سخنان، در واقع چکیده گفتمان رسمی حکومت پهلوی در عرصه سیاسی بود که اکنون بر زبان نمایندگان مجلس جاری می‌شد.

واژگان کلیدی: ترور شاه، مجلس، گفتمان تقدس شاه، بقای ایران.

مقدمه

پس از قتل حسنعلی منصور، با همه کوشش‌هایی که برای حفظ شاه و مقامات ارشد کشور صورت گرفت، شاه روز شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ به دست سرباز وظیفه، رضا شمس‌آبادی -هنگامی که قصد داشت وارد سرسرای کاخ مرمر شود- به رگبار بسته شد. در این حادثه به دو تن از نگهبانان شاه به نام‌های آیت‌الله لشکری و محمدعلی بابائیان گلوله اصابت شد و در دم کشته شدند. ضارب نیز با شلیک نگهبانان شاه به قتل رسید و شاه سریع خود را به داخل کاخ رساند (نجاتی، ۱۳۷۳: ۱/۳۱۲-۳۱۵). عصر همان روز روزنامه اطلاعات در صفحه شانزدهم خود و به صورت کوتاه نوشت: «صبح بر اثر مشاجره بین سرباز وظیفه و سرباز گارد و تیراندازی ناشی از آن، یکی کشته و دیگری زخمی شد و در ضمن چند باغبان و پیشخدمت که در نزدیکی بودند مجروح شدند».

صبح روز بعد، یعنی ۲۲ فروردین نخستین جلسه مجلس، پس از تعطیلات نوروزی سال ۱۳۴۴ تشکیل شد. در این جلسه نه هویدا نخست‌وزیر وقت -که برای تبریک سال جدید در مجلس حضور یافته بود- و نه نمایندگان مجلس، هیچ اشاره‌ای به موضوع ترور شاه نکردند؛ زیرا شاه و دولت قصد نداشتند مسئله ترور، رسانه‌های شود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۱، جلسه ۱۶۸). سخنان کریم اهری نماینده آذربایجان که چند روز بعد در صحن علنی مجلس ایراد شد، گویای همین سکوت عمدی است (همان، جلسه

۱۷۲)؛ اما عصر همان روز یعنی یک‌شنبه ۲۲ فروردین، روزنامه‌اطلاعات، در صفحه نخست، اخبار بیشتری در این باره انتشار داد و نوشت:

به دنبال خبری که دیروز انتشار یافت و طبق تحقیقات بعدی معلوم شد، هنگامی که شاه در حال ورود به دفتر کار خود بوده‌اند، یک سرباز وظیفه با تیراندازی به سوی ایشان وارد سرسرای کاخ مرمر و به دست دو مأمور کشته می‌شود و ضارب نیز دو نفر را مقتول و یک باغبان و خدمه را مجروح می‌کند.

روز ۲۳ فروردین روزنامه‌اطلاعات با اشاره به افکار عمومی نوشت:

حادثه کاخ مرمر موجب تشویش و نگرانی اذهان عمومی ایرانیان شده است و مردم از خود می‌پرسند که اگر نیت خائنانه ضارب تحقق می‌یافت و بار دیگر این تفضل و معجزه خداوندی - که همواره نگهبان شاه است - تحقق نمی‌یافت چه می‌شد و چه مصیبتی به بار می‌آمد؟ و این فاجعه می‌توانست چه نتایج وحشت‌انگیزی داشته باشد؟ باید دید که در این خیانت آیا دست تجاوزکار دشمن وطن در کار است یا دست خارجی‌ها؟ (همان، ۱۳۴۴: ۱-۲).

چهار روز بعد یعنی ۲۷ فروردین، روزنامه‌اطلاعات با عنوان «سلامت وجود شاهنشاه» به بررسی حالت‌های شاه و آرامش و شجاعت او و ادامه فعالیت عادی و روزانه‌اش مشغول شد تا از او چهره‌ای متفاوت از انسان‌های عادی ترسیم کند (همان)؛ همچنین روزنامه‌اطلاعات با عنوان «شاه چه کرده؟» اقدامات و خدمات شاه در راه پیشرفت ایران و توسعه کشور را بررسی و این پرسش را مطرح کرد که شاه چه گناهی داشته که مستوجب چنین عقوبتی باشد، آیا غیر از این است که او خود را وقف کشورش کرده است؟ (همان).

روزنامه‌اطلاعات در همین روز سخنان شریف‌امامی، رئیس مجلس سنا، را انعکاس داد که وجود شاهنشاه را یک موهبت الهی برای ملت ایران دانست و بر هر فرد ایرانی واجب شمرد که در برابر عظمت و رحمت بی‌منتهای خداوند در این حادثه تصورناپذیر، سر تسلیم فرود آورند؛ زیرا او با اراده توانا و معجزه خود نخواست کاخ سعادت و استقلال و امنیت و آسایش ملتی که ۲۵۰۰ سال با سربلندی زیسته، درهم بشکند. دعای مردم ایران حافظ جان

شاهی شد که جایگاه ایران را اعتلا بخشیده و موجب اعتبار بین‌المللی برای کشور شده است (همان، ۱ و ۱۳).

روز ۲۴ فروردین مقامات مهم کشوری و لشکری به مناسبت عید قربان و به شکرانه سلامتی شاه با او دیدار کردند که اخبار آن روز چهارشنبه ۲۵ فروردین در روزنامه اطلاعات انتشار یافت (همان، ۱۳).

روز پنج‌شنبه ۲۶ فروردین، عبدالله ریاضی، رئیس مجلس، ضمن ابراز تأسف از این واقعه، مراتب خرسندی خود و نمایندگان مجلس را از سلامتی «ذات مقدس شاهانه» ابراز داشت. او در سخنانش مطالب مهمی درباره جایگاه سلطنت و مقام شاه ایراد کرد که روح گفتمان مجلس را شکل می‌داد.

مجلس پنج روز بعد در ۳۱ فروردین، دو فوریت طرحی را تصویب کرد که هدف آن تقدیر از مقام شامخ فدائیان شاه در این واقعه بود. هنگامی که مذاکرات درباره جزئیات این طرح آغاز شد، نمایندگان مجلس سخنانی در دفاع از مقام سلطنت ایراد کردند که از دیدگاه تحلیل گفتمانی بسیار مهم است؛ به‌همین منظور مسئله اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل گفتمانی متن مذاکرات نمایندگان مجلس درباره ترور شاه است تا روشن شود که این سخنان، حاوی چه پیام‌هایی بود، مجلس از چه منظری به رخداد مزبور نگرست و چگونه مناسبات قدرت و ایدئولوژی در متن مذاکرات منعکس شد، متن مذاکرات مجلس در چه بستری و با چه هدف و کارکردی و در چه قالبی ایراد می‌شد و عناصر اصلی شکل‌دهنده گفتمان سیاسی حکومت در متن مذاکرات چیست.

روش و چهارچوب نظری

این پژوهش بر بنیاد روش تحلیل گفتمانی صورت می‌پذیرد. گفتمان، ترکیب به هم پیوسته‌ای از عناصر، لوازم و شرایطی درون‌متنی و برون‌متنی است که از ترکیب آن‌ها گفتمان ایجاد می‌شود؛ بنابراین، هر گفتمانی دو وجه متمایز دارد: نخست، وجه بیرونی یا آشکار گفتمان که همان ساختار زبان‌شناختی متن یا کلام است و به مجموعه‌ای از جمله‌ها گفته می‌شود که در چهارچوب یک پیام زبانی عرضه شود. این پیام زبانی در سطحی بالاتر

از زبان‌شناسی یا متن عمل می‌کند (بارت، ۱۳۸۷: ۳۱) و بعد، وجه درونی و پنهان گفتمان که همان عوامل برون‌متنی و برون‌زبانیِ ناظر بر بافت و موقعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فکری، فرهنگی و... است که مهم‌ترین وجه گفتمان است. در وجه درونی گفتمان، باید به فرایندهای اجتماعی که مولد معناست، توجه داشت؛ زیرا گفتمان‌ها شکل دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی- سیاسی (قدرت) هستند و از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان‌های متفاوت، درک می‌شود (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷)؛ به بیان دیگر هر گفتمانی یک سکه دورویه است که یک روی آن گفتار و سوی دیگر آن کارکرد فکری و اجتماعی است. کارکردهای گفتمانی، همه جنبه‌های فعالیت انسان را دربر می‌گیرند؛ از این رو می‌توانیم گفتمان فکری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی و... داشته باشیم (یارمحمدی، ۱۳۸۷: ۹۹).

بنابراین، متن حاصل و نتیجه گفتمان است (صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۸). گفتمان‌ها الگوهای عمل و کاربندی متن‌ها هستند و در پیوند با قدرت تعریف می‌شوند؛ پس گفتمان، بخشی از ساختار قدرت در درون جامعه است و اهمیت آن از این روست که آشکارکننده بازی قدرت در جایگاهی مشخص است (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۵۵). گفتمان‌ها منظومه‌های معنایی هستند که در آن‌ها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند (هوارث، ۱۳۷۸: ۱۰۲)؛ از آنجا که کارکردهای فکری و اجتماعی بشر، بر اثر شرایط، دگرگون می‌شوند، گفتمان‌ها نیز پیوسته تغییر می‌کنند و ضمن تطور، جای خود را به گفتمان‌های دیگر می‌دهند. درست به همین دلیل در تبیین و توجیه کارکردها و اساساً در تحلیل گفتمان باید به بافت و بستر و همچنین ایدئولوژی و روابط قدرت توجه کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، این مقاله درصدد کشف معناهای پیچیده و غیرعادی موجود در متن نیست؛ بلکه می‌کوشد، با روش تحلیل گفتمانی و با بهره‌گیری از عوامل برون‌زبانی و درون‌زبانی، ایدئولوژی پنهان در متن را براساس زنجیره هم‌ارزی و دال مرکزی مفاهیم آشکار سازد و پیش‌فرض‌ها و انگاره‌های موجود در متن را کشف کند و از چرایی تولید گفتمان و نسبت آن با ایدئولوژی و مناسبات قدرت، مخاطبان و چگونگی

مصرف آن سخن براند و عملکرد ایدئولوژیکی را در زبان بررسی کند؛ بنابراین متن را همچون عنصر یا پدیده‌ای مادی در مرکز فعالیت انتقادی قرار می‌دهد و روابط بین پدیده‌ها را به گفت‌وگو می‌گذارد. پدیده‌ای که به تعبیر گفتمان کاوان معناهای آن بر مردم تحمیل می‌شود و همه باید آن را بپذیرند (گل آقا، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

متن مذاکرات و مصوبات مجلس در واکنش به ترور شاه: گفتمان مجلس

پنج روز پس از ترور شاه، عبدالله ریاضی، رئیس مجلس، خطابه مهمی در مجلس ایراد کرد؛ از آن‌جا که نقل کامل آن سخنان از حوصله این مقاله خارج است، تنها به خلاصه آن بسنده می‌شود. او گفت که روز ۲۱ فروردین در مجاورت دفتر کار اعلیحضرت همایون، شاهنشاه، واقعه‌ای اتفاق افتاد که ممکن بود کاخ عظمت و سعادت ملت ایران را فرو ریزد. ولی یک‌بار دیگر دست خدا که بالای همه دست‌هاست، شاهنشاه، آن مظهر استقلال و بقای کشور را از گزند حادثه‌ای هولناک در پناه خود محفوظ نگاه داشت؛ درحقیقت، دعای خیر ملت ایران، وجود شهریار عادل و رهبر توانا را همچون حصنی حصین در بر گرفت. مردم ایران نیک «می‌دانند که وجود شاهنشاه ضامن بقای کشور و حفظ تمامیت و استقلال ایران و رفاه و آسایش ملت و آرامش و امنیت مملکت است و هرگونه تزلزلی در ارکان قویم سلطنت موجب هدم بنیان قومیت و ملیت ایران خواهد بود».

او گفت با آنکه شاه در طول تاریخ سلطنت پرافتخار خود اغلب با خطرات گوناگون روبه‌رو بوده؛ اما در همه مواقع با نیت پاک و ایمان راسخ و توکل به خدای بزرگ در پیشرفت اساس ملک و ملت کوشیده است؛ چنان‌که توانسته با تدبیر و ابتکار و با پشتیبانی اکثریت ملت، راه صدساله را یک‌شبه بیماید و در مدتی کوتاه، عقب‌ماندگی‌های گذشته را جبران کند. در سایه برنامه‌های انقلابی شاه، مشکلات و موانع، یکی پس از دیگری از میان برداشته شد و آن پایه‌های فرسوده درهم فرو ریخت و ملت ما از سرگشتگی و پریشانی به شاهراه امن و رستگاری افتاد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۱، جلسه ۱۶۹).

عصر همان‌روز، ۲۶ فروردین، روزنامه اطلاعات سخنان رئیس مجلس شورای ملی و ابراز احساسات نمایندگان مجلس را انعکاس داد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۴: ۱-۱۷). روز شنبه ۲۸ فروردین، تصویر دو تن از قربانیان محافظ شاه و شرح حال آن‌ها در صفحه نخست روزنامه بازتاب یافت و گزارشی از برگزاری مراسم شب هفت آن‌ها با حضور مقامات مهم کشور ارائه شد (همان، ۱ و ۱۳).

روز یک‌شنبه، روزنامه اطلاعات نوشت: شاه، سرپرستی فرزندان استواران قربانی این حادثه را برعهده گرفتند و به هریک از خانواده‌های استواران یک میلیون ریال کمک کردند؛ همچنین در صفحه اول این روزنامه، تصویر خانواده و فرزندان آن‌ها چاپ شد (همان، ۱۳۴۴/۱/۲۹: ۱ و ۱۳).

دو روز بعد یعنی ۳۱ فروردین، مجلس دو فوریت طرح حزب مردم، درباره فدائیان شاه را تصویب کرد که محتوای این طرح به شرح زیر بود:

«جانبازی و فداکاری استواران شهید، محمدعلی بابائیان و آیت‌الله لشکری در راه حفظ و صیانت مملکت مورد تقدیر و تحسین ملت ایران می‌باشد. به پاس آنکه حین انجام وظیفه مقدس شربت شهادت نوشیده‌اند، از این پس (شجاعان شهید) نامیده خواهند شد. تبصره: دولت مکلف است ظرف یک هفته لایحه لازم برای قدردانی از خدمات شهدای فوق‌الذکر تهیه و به مجلس پیشنهاد نماید» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۱، جلسه ۱۷۱).

عصر همان‌روز تصویر شاه و ملاقات او با خانواده استواران کشته‌شده در صفحه نخست روزنامه اطلاعات نقش بست (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۴/۱/۳۱: ۱). دو روز بعد، یعنی پنجشنبه ۲ اردیبهشت، مفصل‌ترین و پُرسروصداترین نشست مجلس، درباره تصویب طرح پیشنهادی حزب مردم تشکیل شد و طی آن چند تن از نمایندگان، به تفصیل درباره ترور شاه سخن گفتند که از نظر گفتمانی بسیار مهم است.

ابتدا کریم اهری، نماینده کلیر، با اشاره به سفرش به مکه گفت که در این سفر از نزدیک شاهد احساسات عمیق مردم ممالک اسلامی به شاهنشاه اسلام‌پناه و رهبر واقعی عالم تشیع بوده و از هلهله حاجیان غیرایرانی برای شاهنشاه ایران احساس غرور کرده است؛

زیرا پس از شنیدن خبر سوء قصد، بلافاصله نگرانی عمیقی در دل همه حاجیان کشورهای اسلامی سایه افکند و همه به سوی خانه خدا روی آورده با صفای باطن و خلوص نیت برای سلامتی رهبر داعی و شاهنشاه تاجدار، دعا کردند. در این مراسم، شخصیت‌های کشورهای اسلامی از نقش قاطع شاهنشاه در تحقق منویات عالیه اسلامی سخن گفتند و قدم‌های شجاعانه این پیشوای مقتدر را در از بین بردن فاصله و امتیازات طبقاتی و پاره کردن زنجیرهای بردگی و بندگی و لغو رژیم ارباب-رعیتی و هماهنگ ساختن ملت ایران با دنیای مترقی ستودند و این موفقیت بی نظیر را به حاجیان ایرانی تبریک گفتند؛ زیرا او رژیم فئودالیت را برانداخته و طرح نو در انداخته و ایران نوین را با مصالح اسلامی و تجارب دنیای مترقی پی‌ریزی فرموده و گرد عقب ماندگی را از دامن پاک کشور باستانی و اسلامی ایران زدوده است.

دنیای داند که در این راه ملتی با تمام قوا پشتیبان پیشوای خود است و نیز می‌داند که اراده ملت، اراده خداست و به همین لحاظ همه سوء قصدها با شکست مفتضحانه روبه‌رو شده است؛ زیرا خداوند، شاهنشاه ظل الله را همیشه در کنف حمایت خود قرار داده و حافظ واقعی شاهنشاه است و اظهار نظر معدودی بی‌وطن در نظر ملت ایران مطرود و این افراد منفور خاص و عام هستند. اکثریت قاطع مردم ایران پشتیبان او هستند و در ششم بهمن ۱۳۴۱ از پیشنهادهای شاهنشاه استقبال و به آن صحنه گذاشتند و رأی مثبت دادند.

ملت ایران به خوبی می‌داند که شاهنشاه جوان بخت با چه صحنه‌های شوم و چه تحریکات خانمان برانداز روبه‌رو و آن‌ها را پشت سر گذاشته‌اند و همه توطئه‌ها از جمله تحریکات شمال و غوغای نفت را خنثی کرده‌اند. ملت ما با رهبری شاهنشاه، تمام این نقشه‌های خائانه را نقش بر آب ساخت. هفت هشت سالی است که شاهنشاه فرصت یافته‌اند تا به منویات اصلاحی و به آرزوهای باطنی و به رسالت تاریخی خود تحقق بخشند و در این مدت کارهایی شده است که شمارش آن موجب اطاله کلام خواهد بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۱، جلسه ۱۷۲: ۳-۵).

کریم اهری از مشروعیت الهی شاه سخن گفت و در این راه از مفاهیم مذهبی اسلام بهره گرفت؛ پس از او حاذقی نیز به ایمان شاه اشاره کرد و گفت:

ایشان با عزم جزم و ایمان قاطع برای اجرای اصول تعالیم عالیه اسلامی و پیروی و تأسی از رهبر بزرگ اسلام حضرت علی علیه‌السلام، خلیفه پیغمبر و امام ما شیعیان، تلاش و مجاهدات شبانه‌روزی و دامنه‌دار خودشان را ادامه می‌فرمایند و این برای ملت ایران افتخاری بزرگ است؛ زیرا سنت ماست که همیشه می‌گوییم الناس علی دین ملوکهم (همان، ۵-۸).

پس از او دکتر جعفری، طراح قانون دفاع از فدائیان شاه، بر کارآمدی شاه تأکید و از دشمنان شاه انتقاد کرد. او ترور شاه را به معنای مخالفت با پیشرفت ملت ایران دانست و گفت که این حادثه از این جهت تأسف‌برانگیز بود که ثابت کرد باز هم بدخواهان و سیه‌دلانی هستند که پیشرفت ملت ایران برایشان ناگوار است؛ ولی اینان غافلند که ملت ایران با پشتیبانی از شاهنشاه خود و با حمایت قادر متعال راه ترقی را با سرعت می‌پیماید؛ زیرا شاهنشاه به چیزی جز ملت فکر نمی‌کند. شاه کشتی‌بانی ملت ایران را برعهده دارد و آن را به ساحل سعادت خواهد رساند. ملت ایران، رهبری دارد که با کمال درایت در تمام مسائل، مشوق و مبتکر اوست. این دو سرباز فداکار با موقع‌شناسی خود برای همیشه ملت ایران را رهین خود کردند؛ بنابراین ملت ایران و شاهنشاه این دو فدایی را هرگز فراموش نخواهند کرد. این نماینده سرانجام پیشنهاد داد که شاهنشاه سرپرستی اطفال آن دو سرباز را قبول کند و دولت آرامگاهی در خور، برای این دو مرد دلیر بنا کند و طرحی را که ملت ایران برای این دو مرد دلیر پیشنهاد داد با طلا تهیه و در آرامگاه آن‌ها بگذارد (همان، ۸-۹).

سپس حیدرعلی ارفع نماینده داراب در نطق خود گفت که در این حادثه ناگوار، خوشبختانه خدای ایران نخواست که این کشور در بوته بدبختی و مذلت جنگ داخلی و بی‌سروسامانی، فلاکت و ناامنی غوطه‌ور شود. این رخداد سه نتیجه بزرگ داشت: نخست اینکه اگر امروز سروسامان و آسایش و امنیتی داریم، در پرتو وجود شاهنشاه بزرگ است که وجودش محور بقا، ثبات و آرامش این کشور است؛ اگر ایرانیان در شب با خاطری آسوده سر بر بالین می‌گذارند، به دلیل جانبازی و فداکاری سربازانی است که در راه صیانت ایران، جان خود را فدا کردند؛ دوم اینکه این موضوع، نه تنها به ما، بلکه به دنیا نشان داد که جان ایرانی در راه حفظ کشور و پادشاه - که سمبل آزادی و استقلال کشور است -

هیچ ارزشی ندارد؛ زیرا شاه مورد پرستش و علاقه فرد فرد مردم مملکت است و سوم اینکه این حادثه نشان داد به علت نیت پاک شاهنشاه و توجه او به رفاه حال ملت و طبقات زحمت کش و از همه مهم تر توسل و توکل شاهنشاه به خدای بزرگ، همیشه این بلاها را گردانیده و ملت ایران را بارها از این مصیبت بزرگ رهایی بخشیده است؛ به طوری که هر بار به طرز معجزه آسایی از این مخاطرات رهایی پیدا می کنند؛ بنابراین در این حادثه، خیر خواهی، ملت دوستی و علاقه مندی شاهنشاه به رفاه طبقات، نمودار و دست خدا به عنوان پشتیبان این مرد بزرگ همواره آشکار است (همان، ۹-۱۰).

فولادوند، نمایندهٔ لرستان، نیز جانبازی در راه شاه را ستود و مدعی شد که شاهنشاه، جان ملت و ملت نیز فدایی شاه است؛ البته شاهنشاه را سلسله مراتب بسیار قوی و ازلی انتخاب فرموده اند؛ یعنی ایشان خداوند و پیامبر (ص) و علی (ع) و تمام ائمه اطهار را دارند و در پناه عدل و لطف خداوندی به خدمت جاویدان مشغول هستند و در همه حال خداوند پشت و پناه ایشان است و این بهترین دلیل برای ملت ایران است که خداوند پشتیبان آن هاست و چنین شاهنشاهی به ملت ایران عطا کرده است و او را حفظ می فرماید. جانبازی در راه شاهنشاه انجام وظیفه است - که این دو سرباز انجام داده اند - و وظیفه ای است که هر کس باید به نوبه خود انجام دهد؛ البته خداوند هرگز راضی نمی شود که با گزند، تمام موجودیت و هستی یک ملت، دستخوش آن حادثه شود. از زمان وقوع حادثه، این احساس جوانه زد که برای شاهنشاه اتفاق بدی نخواهد افتاد؛ چون آثار و ارادهٔ خداوند در وجود این کشور مدار بزرگ متجلی ای است؛ پس اگر لازم باشد که ایران محفوظ بماند، خداوند باید شاه را حفظ کند؛ چون امروز وجود شاه و ایران با هم عجین است (همان، ۱۰-۱۱).

دکتر ناصر یگانه، نمایندهٔ قزوین، اظهارات نمایندگان مجلس را مؤید عواطف و احساسات جمعیت بیست میلیونی ایران دانست و این را گفتمان مسلط جامعهٔ ایران خواند و گفت که از یک سو به علت از دست دادن دو سرباز فداکار به واقع متأسفیم؛ اما از سوی دیگر چون آن ها را برای یک هدف بسیار مقدس از دست دادیم، خدا را شکر می کنیم؛ زیرا فردی فدای یک مملکت شد. به تعبیر قآنی «به یک چشم گریم به یک چشم خندم/ که دریا فرو رفت و گوهر برآمد» (همان، ۱۱-۱۲).

سرانجام، سرتیپ حکیمیان، نماینده کهکیلویه و بویراحمد، از پیوند این گفتمان با تاریخ باستانی ایران، سخن راند. او گفت: «این دو نفر سرباز که با ایثار خون خود بزرگترین خدمت را به ملت کرده‌اند، به‌واقع باید همیشه نامشان جاویدان باشد و این لغت جاویدان از زمان تشکیل سلسله هخامنشی به‌عنوان مأمور حفاظت پادشاهان وجود داشت؛ به‌علاوه، اعلیحضرت همایون شاهنشاه وارث سلطنت هخامنشی هستند؛ پس اگر اینجا صفت شهیدان جاویدان گفته شود، بهتر است» (همان، ۱۲-۱۳). درنهایت لایحه مزبور به همان ترتیبی که ارائه شده بود به تصویب رسید.

عصر همان‌روز دوم اردیبهشت ۱۳۴۴ در صفحه اول روزنامه اطلاعات آمده بود: «تا سن قانونی ولیعهد، شورای سلطنت تشکیل می‌شود.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۴: ۱) که نشان می‌داد حکومت، عمق خطر را دریافته است. در همین شماره آمده بود که به نام استواران شهید گارد شاهنشاهی با کمک مردم دو مدرسه و بیمارستان در زادگاه آنان ساخته می‌شود (همان).

بستر گفتمانی

یکی از راه‌های فهم و تحلیل گفتمان، توجه به فضا و بستری است که گفتمان در درون آن شکل گرفته است؛ بنابراین در تحلیل متن مذاکرات مجلس باید به تحولات کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد بازگشت؛ زیرا این کودتا سرآغاز تغییرات گسترده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هویتی در ایران، متناسب با وضعیت جدید بود که شاه در کتاب «مأموریت برای وطن» آن را منعکس کرد. او جهت‌گیری آینده کشور را در سه مسیر نشان داد: نخست، ناسیونالیسم مثبت و اتحاد سیاسی با غرب؛ دوم، اقتباس تمدن جدید با گرایش فرهنگی و اقتصادی به غرب و سوم، دموکراسی شاهنشاهی و تعیین قلمرو کشور (پهلوی، ۲۵۳۵: ۲۳۱-۴۳۶).

روشن است که این برنامه‌ها به‌طور دقیق برای تضاد با آرمان‌های مشروطیت و گفتمان دموکراتیک جنبش ملی شدن نفت بود؛ زیرا در برابر سیاست موازنه منفی دکتر مصدق از ناسیونالیسم مثبت، دموکراسی مشروطه از دموکراسی شاهنشاهی و دفاع از موارث بومی از جهت‌گیری غربی سخن می‌گفت. در همه این جهت‌گیری‌ها آنچه اهمیت داشت، سه

مؤلفه شاه‌گرایی، دفاع از کیان سلطنت و مشروعیت آسمانی شاه بود که هم در ناسیونالیسم مثبت و هم در دموکراسی شاهنشاهی بر آن تأکید شده بود و این‌ها همان عناصری بودند که در دورهٔ دکتر مصدق بنیاد آن‌ها به شدت متزلزل شده بود.

شاه پیشینهٔ «دموکراسی شاهنشاهی» را به زمان کورش باز می‌گرداند و از مدارای او با رعایا سخن می‌راند تا به عمده ریشه‌های تفکر دموکراسی را نه در اندیشه‌های مدرن، بلکه در ساختار سلطنت جستجو کند (همان، ۳۱۸). او مجلس را که مهم‌ترین دستاوردهای نهادسازانه و مردمی‌ترین رکن مشروطیت بود، در عمل، به نهادی تشریفاتی و مجرای اعمال قدرت خود تبدیل می‌کرد و ترکیب آن را براساس مهندسی انتخابات تعیین می‌نمود (فردوست، ۱۳۷۱: ۲۵۷/۱) تا در مسیر تحکیم مبانی سلطنت و حفظ منافع اقلیت حاکم گام بردارد.

بدین ترتیب پس از کودتا نه تنها مجلس، بلکه کابینه‌ها، رسانه‌ها و مطبوعات نیز استقلال عمل را از دست دادند و همهٔ آزادی‌های مدنی رخت بر بستند، احزاب و جریان‌های سیاسی به حاشیه رانده شدند و سانسور و فشارهای امنیتی و پلیسی کشور بر همه‌جا سایه افکندند. در این فضا به گفتمان تازه‌ای نیاز بود تا در تضاد با گفتمان جنبش ملی نفت قرار گیرد و معناهای تازه‌ای متناسب با فضای جدید خلق کند و مناسبات سیاسی و اجتماعی و بازی قدرت را از نو ساماندهی کند، ذهنیت‌ها و جهان‌معنایی تازه‌ای بسازد و تصور و فهم ایرانیان را از واقعیت‌های دنیای پیرامونشان تغییر دهد تا از رهگذر آن کارکردهای حکومت چنان توجیه شود که همگان آن را طبیعی تلقی کنند.

به‌همین دلیل شاه در این گفتمان تلاش می‌کرد که به‌جای پاسخ‌گویی به انسداد سیاسی از اقتصاد دموکراتیک و فرماندهی شاهنشاه سخن بگوید و رفاه مادی را تنها خواسته ملت بشمارد و ادعا کند با تلاش او کشاورزان صاحب زمین و کارگران صاحب سهام کارخانه‌ها و همه مردم از مواهب مادی برخوردار شده‌اند؛ بنابراین هرگونه نارضایتی، نشانهٔ بدخواهی است. او در پرتو این گفتمان، می‌کوشید همچون قهرمان جاویدان تاریخ، همهٔ افتخارات و کامیابی‌ها را به نام خود و همه ناکامی‌ها را به دولت نسبت دهد و اخبار مربوط به او در صدر اخبار کشور قرار گیرد و با آب‌وتاب بازگو شود (ملائی توانی، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

تحلیل گفتمانی متن مذاکرات و مصوبات مجلس

در تحلیل گفتمانی، هدف این است که ایدئولوژی پنهان و پیش‌فرض‌ها، مدعیات، انگاره‌ها و باورهایی که این گفتمان‌ها می‌کشند القا کنند، برملا و شبکه قدرت و ایدئولوژی در متن و همچنین فرایند پدیداری و القای آن به جامعه، تشریح و بازنمایی شود؛ اگر از این دیدگاه به سخنان نمایندگان مجلس بنگریم، می‌بینیم که سه دال مرکزی در سخنان آنان وجود داشت و همه تعبیرها، مدعیات و پیش‌فرض‌های آشکار و نهان نمایندگان مجلس برای همان سه دال مرکزی مفصل‌بندی شده بود؛ زیرا مفاهیم مختلف به کاررفته در متن مذاکرات، در یک زنجیره هم‌ارزی می‌کوشیدند تا نظام معنایی این گفتمان را تکمیل کنند. این سه دال مرکزی عبارت‌اند از: اصل سلطنت، شاه و مقام او، خدا و مشروعیت آسمانی شاه. اکنون می‌کوشیم آن‌ها را بررسی کنیم:

الف) دفاع از اصل سلطنت

دفاع از اصل سلطنت و ضرورت تداوم آن همچون یک میراث تمدنی، در کانون گفتمان رسمی حکومت قرار داشت و در سراسر دوره پهلوی با استفاده از همه ابزارهای اطلاع‌رسانی نوین تبلیغ می‌شد. سیری در ادبیات تاریخ‌نگاری رسمی ایران نشان می‌دهد که بیشترین پژوهش‌ها در این باره و با هدف تقویت مبانی سلطنت انجام شد و برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی و فرهنگی و شاخص‌ترین استادان دانشگاه که از شهرت و اعتبار جهانی برخوردار بودند، برای این منظور به کار دعوت شدند. به همت این بزرگان - که خواسته یا ناخواسته در زمین حکومت بازی می‌کردند - ادبیات تاریخی نظام شاهنشاهی با رشد حیرت‌انگیز و سرسام‌آوری روبه‌رو شد و آثار فراوانی با شکل‌ها و صورت‌بندی‌های متفاوت تولید شد تا همه گفتمان‌های سیاسی رقیب، مانند جمهوری‌خواهی و حتی احیای نظام مشروطه به حاشیه رانده شود.

جهت‌گیری اصلی و نیز رویکرد گفتمانی آثاری که با این هدف خلق شدند، این بود که نظام شاهنشاهی را همساز با هویت ایرانی و عامل پیشرفت و توسعه کشور و منادی اعتلای فرهنگ ایران نشان دهد و چنین وانمود کند که ترقی و عظمت ایران در گذشته،

تنها در پرتو نظام سلطنت ممکن بوده و در آینده نیز تنها در پرتو آن ممکن خواهد بود (پهلوی، ۱۳۷۱: ۲۹۵). این گفتمان سرانجام در عرصهٔ فرهنگ و تفکر و در پرتو قدرت سیاسی، بر سایر گفتمان‌های رقیب سایه افکند؛ زیرا ظهور گفتمان‌های مستقل و رقیب، از اساس امکان‌پذیر نبود.

از این منظر، سخنان عبدالله ریاضی اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا او شاه را به عنوان دالّ مرکزی در پیوند با مفاهیم و عناصر مهمی چون عظمت و سعادت ملت ایران، دست خدا، مظهر استقلال عظمت و بقای کشور و حفظ تمامیت آن قرار داد و او را عامل ثبات، امنیت و آرامش ایرانیان قلمداد کرد که هر آسیبی به شاه و هرگونه تزلزلی در ارکان سلطنت موجب انهدام ملیت و نیز نابودی و تجزیهٔ کشور خواهد شد؛ زیرا او پادشاه عادل است که با تدابیر دایمانه‌اش، راه صدساله را یک‌شبه می‌پیماید و همواره از پشتیبانی خدا برخوردار است. در این زنجیرهٔ هم‌ارزی، مفاهیمی چون عادل و دعای خیر ملت و حمایت خداوند که مفاهیمی سنتی بودند با مفهوم مدرن پشتیبانی ملت، گره می‌خورد تا معنای تازه‌ای از مشروعیت ارائه کند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۱، جلسه ۱۶۹).

یکی از راه‌های تحلیل انتقادی گفتمان، کوشش برای بازخوانی متن در فضایی خارج از چهارچوب‌هایی است که گفتمان‌ها در آن تولید و مصرف می‌شوند؛ چنانچه این سخنان را از زاویهٔ ایران امروز یا در کشوری که بدون نظام سلطنت است، بنگریم، می‌توانیم رازهای پنهان و مدعیات موجود در این سخنان را که تلاش می‌شد حقیقی جلوه کنند، درک کنیم و درمی‌یابیم که چگونه مناسبات قدرت می‌کوشید این باورها را به بدنهٔ جامعه القا کند.

در سخنان ریاضی عناصر مهمی چون بقا، استقلال، عظمت کشور با دست خدا و پشتیبانی ملت و پیشرفت ایران، حول دو دالّ مرکزی، یعنی شاه و نظام سلطنت مفصل‌بندی می‌شدند تا عناصر گفتمانی در ذیل آن‌ها به یکدیگر بی‌بوندند و معنا پیدا کنند؛ حتی عناصر گفتمانی، معناهای رقیب را ازدست بدهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، منحل شوند تا به تعبیر گفتمان‌کاوان گروه‌های صاحب قدرت، از طریق کنترل اذهان (دانش، نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها) هم‌مونی گفتمان خود را تأمین می‌کنند (وان‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۱۴).

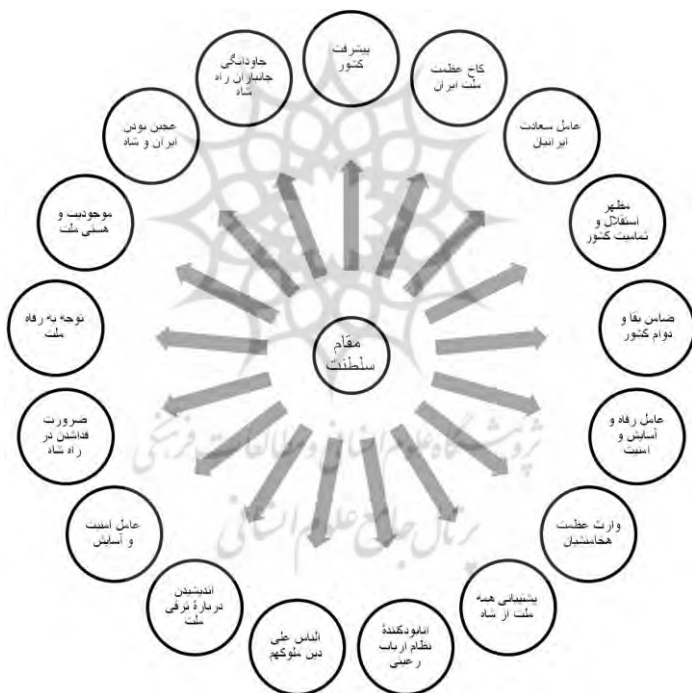
این اقدام نه تنها در ادبیات تاریخ‌نگارانه و رسانه‌های جمعی، بلکه در کتاب «به سوی تمدن بزرگ» شاه نیز انعکاس یافت. شاه معتقد بود، نظام شاهنشاهی روح قدرتمندی و جوهر وحدت ملی، پایه استوار تمدن ایران و نگاهبان همه ارزش‌ها و تمام پیشرفت‌ها و دستاوردهای مادی و معنوی آن است؛ زیرا روح و جان ایرانیان را رهبری و پاسداری می‌کند؛ بنابراین شناخت و تبلیغ آن با همه ابزارهای سیاسی، فکری و فرهنگی لازم است (پهلوی، ۱۳۵۶: ۲۶۶-۲۶۷). شاه حتی پس از سقوط نظام شاهنشاهی همچنان ادعا می‌کرد که ایران با ساختار قومی و گروه‌های زبانی و فرهنگی متفاوت، نیازمند پادشاهی است که از بالا این مجموعه را منسجم و متحد کند تا بتواند دموکراسی واقعی شاهنشاهی را مستقر سازد (پهلوی، ۱۳۷۱: ۲۹۵).

این نوع نگرش‌ها در تاریخ‌نگاری‌های رسمی نیز بازتاب گسترده‌ای یافت. میرخلف‌زاده، تاریخ‌نگار رسمی دوره پهلوی، مدعی بود، پیشرفت و سربلندی ایران در دوره‌های مختلف به نظام شاهنشاهی و قدرت رهبری این کشور بستگی داشته است. هرگاه رهبری خردمند و لایق بر ایران حکم رانده، ایرانیان به‌دنبال رهبر خود به بزرگ‌ترین پیشرفت‌ها و افتخارات دست یافته‌اند و در عصری که کشور از داشتن چنین رهبری محروم بوده است، مردم ایران سخت دچار مشکلات سیاسی و اقتصادی شده‌اند و تا آستانه سقوط و اضمحلال پیش رفته‌اند (میرخلف‌زاده، ۱۳۵۵: ۹).

رامش سنگوی، سلطنت را همچون قدیمی‌ترین و پایدارترین امر تمدن ایرانی برشمرد که هم در شاهنامه و هم در متن‌های اندرزنامه‌ای به آن تأکید شده است (سنگوی، بی‌تا: دوازده-چهارده). این ایده‌ها در مطبوعات و رسانه‌های دیگر نیز با قوت، تبلیغ می‌شد تا در ذهن ایرانیان نهادینه شود. عناصر اصلی این گفتمان و دال مرکزی آن براساس روش تحلیل گفتمانی متن مذاکرات مجلس، استخراج و در جدول‌های زیر نمایش داده شده است. این مسائل محورهای اصلی سخنان نمایندگان مجلس و تعبیرهایی است که خود نمایندگان مجلس به کار برده‌اند و از کنارهم نهادن آن‌ها در زنجیره هم‌ارزی، منظومه‌های زیر به‌دست می‌آید:

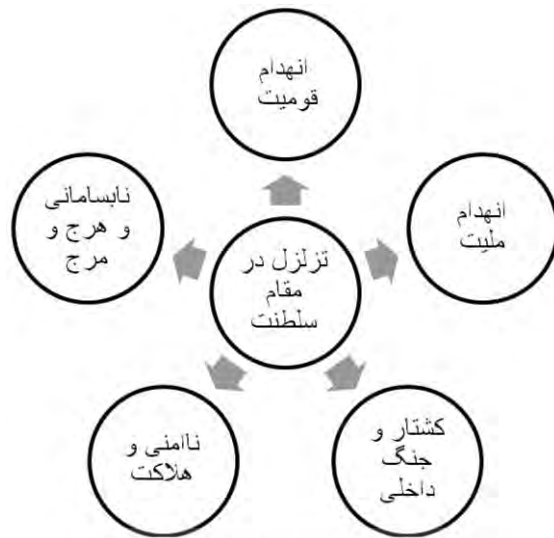
۱. مقام سلطنت در تعبیرهای گفتمانی متن مذاکرات مجلس

این مفاهیم عین همان تعبیرهایی است که در سخنان نمایندگان منعکس شده است و ما آن‌ها را در زنجیرهٔ هم‌ارزی برای یک دالّ مرکزی بسیار مهم یعنی «مقام سلطنت» قرار داده‌ایم. حاصل این اقدام، ارائهٔ دو منظومهٔ گفتمانی متضاد و درعین حال به هم پیوسته است که از یک سو نمایانگر کارکردهای گفتمانی و اجتماعی مقام سلطنت و از سوی دیگر نشانگر بحران‌ها و مخاطراتی است که بر اثر بروز «تزلزل در مقام سلطنت» رخ خواهد داد. به بیان دیگر، دو منظومهٔ معنایی زیر، در واقع دو روی یک سکه هستند که اگر یک روی آن تحقق نیابد، روی دیگر آن بی‌تردید بروز خواهد یافت:



۲. تزلزل در مقام سلطنت در تعبیرهای گفتمانی متن مذاکرات مجلس

این مفاهیم، همان تعبیرهایی است که در سخنان نمایندگان منعکس شده است و نشانگر بحران‌ها و مخاطراتی است که بر اثر بروز «تزلزل در مقام سلطنت» و چیرگی گفتمان‌های رقیب رخ خواهد داد:



ب) مشروعیت آسمانی شاه در تعبیرهای گفتمانی متن مذاکرات مجلس

تضمین یا تداوم مشروعیت یک نظام، ممکن است از رهگذر انگیزه‌های درونی یا بیرونی انجام شود. انگیزه درونی می‌تواند از طریق نگرش مذهبی، انگیزش احساسی، باور عقلانی و نمود ارزش‌های متعالی، مانند اخلاق و زیبایی‌شناسی پدید آید و رهایی را در پذیرش نظام مورد نظر ببیند؛ اما انگیزه‌های بیرونی بیشتر از رهگذر عرف و قانون به دست می‌آید (وبر، ۱۳۷۴: ۳۸-۳۹). یک نظام به سه روش می‌تواند مشروعیت پیدا کند:

الف) به موجب سنت یعنی باور یا اعتقاد به مشروعیت آنچه همیشه وجود داشته است؛

ب) به موجب نگرش عاطفی، الگویی برای تقلید معتبر باشد؛

ج) به موجب استقرار قانون که خود این قانون می‌تواند به صورت تحمیلی یا اختیاری

باشد؛

د) به موجب باور عقلانی به ارزش غائی نظام (همان، ۴۲).

مشروعیت آسمانی شاه که در همه رسانه‌ها با قوت تبلیغ می‌شد، نشانگر تمرکز بر مشروعیت سنتی بود. مشروعیت سنتی همیشه وجود داشته و چون نسل‌های گذشته آن را پذیرفته‌اند در گذر از تاریخ، تردیدناپذیر و مقدس شده است (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۰۶). مشروعیت سنتی بیشتر از رهگذر انتساب به خدا، نمایندگی خدا و برخورداری از فره

ایزدی به دست می آید و مردم در ایجاد آن هیچ نقشی ندارند و چون جنبه ماورائی دارد، اثبات ناپذیر بوده و درخور ارزیابی نیست (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

نگاه انتقادی نشانگر آن است که نمایندگان مجلس از همین مفاهیم سنتی وام گرفتند تا از گفتمان سلطنت و مشروعیت الهی شاه دفاع کنند. آن‌ها همه آرمان‌ها، شعارها و نهادهای مشروطه را فراموش کردند تا با این موضع‌گیری‌های خود، در عمل، شاه را فراتر از انسان‌های معمولی و به مثابه یک ابرانسان که از پشتیبانی الهی برخوردار است و به دست او انتخاب و محافظت می‌شود، بشناسانند و بدین ترتیب گفتمان مشروطه را که مبتنی بر اراده ملت و حاکمیت قانون و متکی بر قرارداد اجتماعی، تفکیک قوا و آزادی‌های مدنی بود به حاشیه برانند.

کریم اهری، شاه را در هسته مرکزی گفتمانی قرار داد که همچون ظل‌الله در کنف حمایت خداست و اکثریت قریب به اتفاق ملت، پشتیبان او هستند. این مفهوم در زنجیره هم‌ارزی، با مفاهیم سنتی دیگری چون اسلام‌پناه، رهبر واقعی عالم تشیع، پیرو امام علی (ع) و پیامبر (ص) نشان می‌داد که ایدئولوژی حکومت پهلوی در صدد بهره‌برداری از نیروی مذهب در راستای مشروعیت‌بخشی به شاه است و این پیام را القا می‌کرد که شاه با از بین بردن رژیم ارباب‌رعیتی و از هم گسستن امتیازات طبقاتی پیشین، به طرز شگفت‌آوری با بهره‌گیری از تجربه‌های دنیای مدرن، ایران را در مسیر پیشرفت و غلبه بر عقب‌ماندگی قرار داده است. این اقدام، تلاشی آگاهانه برای مقابله با تحولات روحانیت مبارز در آغاز دهه ۱۳۴۰ بود تا از رویارویی شاه با مذهب بکاهد. نمایندگان مجلس همچون ابزاری مشروعیت‌بخش، می‌کوشیدند تا ذهن‌های ایرانیان را به گونه‌ای هدایت کنند که محمدرضا شاه را شاهی عادل، توانمند و منجی ایرانیان، و سلطنت را مناسب‌ترین شیوه حکومت بنگرند.

در چنین گفتمانی طبیعی بود که اندکی پس از ترور، شورای عالی فرهنگ و هنر برخی از پژوهشگران برجسته کشور را مأمور کند تا در دفاع از اصل سلطنت و حقانیت آن مطلب بنویسند. به همین منظور یک رشته موضوعات مصوب شد که بسیاری از آن‌ها به مقوله تاریخ شاهنشاهی ایران و مقام معنوی آن و نیز پیوستگی آیین شاهنشاهی با زندگی و معتقدات ایرانیان و ... مربوط می‌شد (فائز مقامی، ۱۳۴۵: یک تا سه).

علیقلی اعتمادمقدم در چارچوب همین گفتمان به جست‌وجوی معنا و جایگاه شاه در شاهنامه برخاست و کوشید این پیام زبانی را به مخاطبانش القا کند که پادشاه، میانجی مردم و خداوند است و از نیروی یزدانی برخوردار است. علت برتری شاه بر دیگران داشتن قهر یزدانی است که بدون آن پادشاهی ممکن نیست (اعتمادمقدم، ۱۳۴۶: ۱)؛ پس از او محمدعلی امام شوشتری مدعی شد، در تاریخ ایران شاهنشاه سیمایی آسمانی دارد و از سوی خدا برای پیشبرد فرهنگ و تمدن بر مردم گمارده می‌شود و پادشاهان پیش‌برندگان فرهنگ و تمدن هستند (امام شوشتری، ۱۳۵۰: ۲).

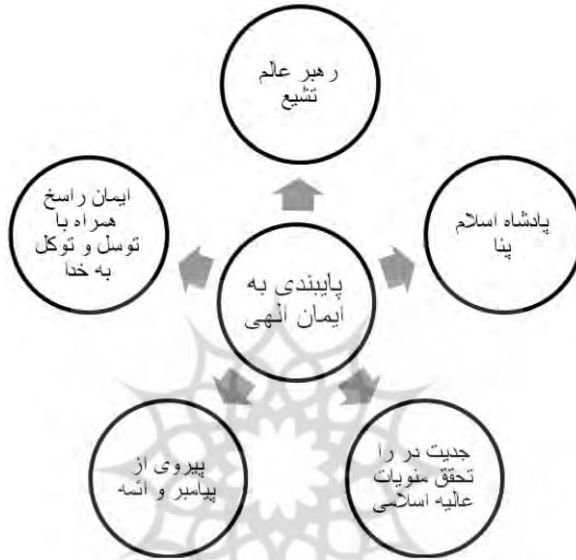
ناصرالدین شاه‌حسینی هم با نگارش کتابی موسوم به «پیوند شاه و مردم» جایگاه شاه را ترسیم کرد. وی با استفاده از آیات و روایات و نیز با استناد به سیاست‌نامه‌ها، اندرزنامه‌ها و مورخان ایرانی کوشید وجوب اطاعت از سلطان را اثبات کند (شاه‌حسینی، ۱۳۵۱: ۷۴-۸۶). علیرضا شاپورشهبازی، مقام شاه در تاریخ ایران را برگزیده‌برگزیدگان و شایسته‌ترین حکمران و مجری عدالت معنا کرد و شاهنشاهی را میراث مقدس گذشتگان ما و نشانه‌آراستگی کارنامه این مرزوبوم و معنای فلسفه زندگی نسل‌های مختلف مردم این آب و خاک دانست (شاپورشهبازی، ۱۳۵۱: ۱-۲).

پس از او ذبیح‌الله صفا کتاب «تاریخ شاهنشاهی و مقام معنوی آن» را نگاشت و کوشید تا گفتمان سلطنت را در پیوند با عنصرهایی چون تقدس نظام شاهنشاهی ایران، دیرینگی آن و همچنین پیوند روحی و عاطفی ایرانیان با پادشاه به‌عنوان رهبری دینی و دنیایی مفصل‌بندی کند و از آن مجموعه‌ای معنادار با کارکرد اجتماعی و سیاسی بیافریند (صفا، ۱۳۵۴: ۱). او با بیان نزدیکی سنت‌های شیعی با روح ملی ایرانیان می‌نویسد، پس از غیبت امام عصر (ع) پادشاهان شیعه ایران نه تنها ریاست ظاهری و سیاسی را برعهده گرفتند، بلکه در مقام اولی‌الامر باقی ماندند که اطاعت از آنان از نظر شرعی لازم بود (همان، ۳۱).

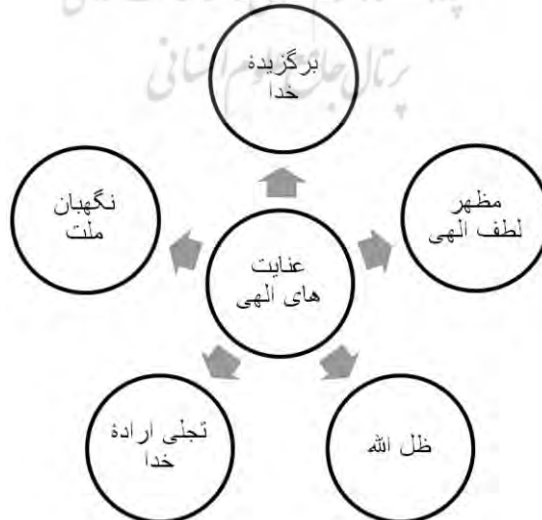
دکتر عنایت‌الله رضا نیز با نگارش کتابی با عنوان «پیوستگی آیین شاهنشاهی با زندگی و معتقدات ایرانیان» نظام شاهنشاهی را عامل مرفقی و پیش‌برنده تاریخ ایران دانست و مدعی شد هرگاه نظام شاهنشاهی قوام یافته است، اقتصاد، صنعت و رشته‌های گوناگون دانش و هنر نیز راه ترقی و پیشرفت را پیموده است (رضا، ۱۳۵۵: ۳۴). عنصرهای اصلی این

گفتمان براساس متن مذاکرات مجلس و با استفاده از تعبیرهای به کار رفته در آن در جدول‌های زیر به نمایش درآمده است:

۱- پایبندی شاه به ایمان الهی در تعبیرهای گفتمانی متن مذاکرات مجلس



۲- عنایت‌های الهی شاه در تعبیرهای گفتمانی متن مذاکرات مجلس



ج) بازتعریف جایگاه شاه

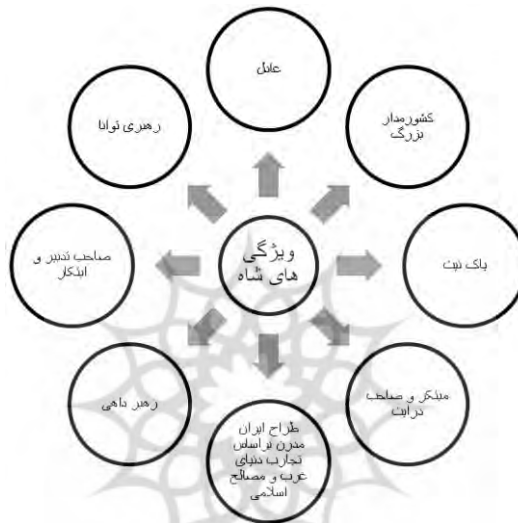
پس از کودتای ۲۸ مرداد، حکومت پهلوی نیازمند تعریف مجددی از مفهوم شاه در چهارچوب یک گفتمان جدید بود. شاهی که نه تنها رهبر و مدیر سیاسی و اجرائی کشور، بلکه سخنگوی منافع ملی و منادی ترقی‌خواهی و پرچمدار اعتلای کشور و نماد عزت و اقتدار ایرانیان باشد. گفتمان شاه‌گرائی، هم به عظمت باستانی سلطنت می‌اندیشید و هم خود را با وضعیت دنیای جدید انطباق می‌داد؛ بنابراین در مقام مقایسه، هم رضاشاه و هم محمدرضاشاه را با پادشاهان بزرگ عهد هخامنشی و ساسانی و نیز زمامداران بزرگ معاصر جهان قیاس می‌کرد؛ اما برای اینکه عظمت شاه و بزرگی مقام او بیشتر آشکار شود، وی را در برابر یک «غیر»، یعنی شاهان قاجار قرار می‌داد تا در این تضاد گفتمانی، سیمای شاهان پهلوی بهتر نمایانده شود؛ بنابراین در این گفتمان، تصویر شاه هرگز یادآور آن چهره ناپسندی نبود که مشروطه‌خواهان با آن درافتادند؛ بلکه شاه پیشوا و رهبر معنوی ملتی بود که با تک‌تک اعضای آن پیوند روحی و عاطفی داشت.

از این رو گفتمان مشروطه‌خواهی می‌توانست در حاشیه آن معنادهی و به یکی از عناصر گفتمانی آن تبدیل شود؛ به همین دلیل نمایندگان مجلس بر اندیشه‌های مترقیانه شاه، نقش قاطعانه او در گسستن نظام ارباب-رعیتی، استقرار نظم و امنیت، ایجاد رفاه اقتصادی و ... تأکید کردند و در رسانه‌های جمعی نیز بر نمادهایی چون «انقلاب شاه و مردم»، «انقلاب سفید»، «عصر پهلوی»، «به سوی تمدن بزرگ» و ... تأکید می‌شد و حکومت پهلوی را مظهر ترقی‌خواهی و رشد‌شتابان اقتصادی و پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معیشتی ایرانیان می‌دانستند (کاتم، ۱۳۷۱: ۴۱۴) و می‌کوشیدند شاه را با مأموریتی الهی و متعلق به ملت ایران بشناسانند و با تعبیری چون «شاهنشاه»، «آریامهر»، «خورشید آریائی»، «خدایگان» و برگزاری جشن‌های تاجگذاری، ساخت مجسمه‌های متعدد از او و پدرش و نصب آن در میدان‌های اصلی شهرها، رواج کیش شخصیت و سرانجام تغییر تقویم بر بنیاد نظام شاهنشاهی نمونه‌هایی از جهت‌گیری‌های آن‌هاست.

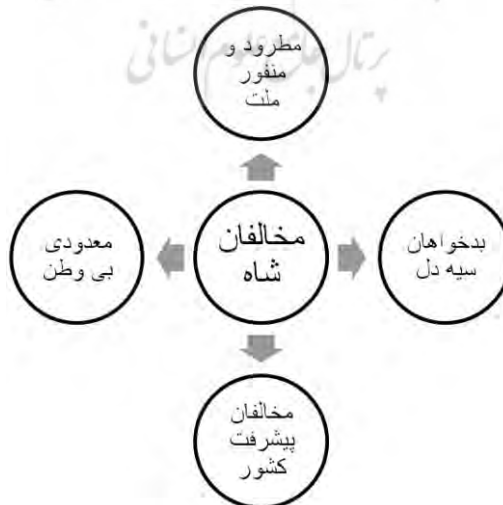
به همین دلیل در ماده واحد مصوب مجلس، اقدام دو سرباز فدایی شاه، برای جانبازی و فداکاری در راه «وطن» تحسین شد. پیام کلیدی این گفتمان این بود که شاه، دقیقاً معادل

مفهوم کشور معنا شد؛ زیرا جانبازی و فداکاری آن‌ها نه در راه حفظ جان شاه، بلکه در راه حفظ و صیانت از کشور تقدیر و تحسین شد. عناصر اصلی این گفتمان در جدول‌های زیر به نمایش درآمده است:

۱- ویژگی‌های شاه در تعبیرهای گفتمانی متن مذاکرات مجلس



۲- مخالفان شاه در تعبیرهای گفتمانی متن مذاکرات مجلس



نتیجه

از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمانی، نکته شگفت‌آور در مواضع و مصوبات نمایندگان مجلس این است که آن‌ها هرگز بر سنت‌های دموکراتیک و قانون اساسی و نظام مشروطه و نهادهای آن تأکید نمی‌کردند و عامدانه قصد نداشتند عملکرد شاه را از زاویه‌ای که او هرگز کارنامه پذیرفته‌شده‌ای نداشت، بنگرند. ثمره این تلاش‌ها چشم‌فروستن بر دستاوردهای فکری، سیاسی و اجتماعی ملتی بود که با انقلاب مشروطه از ستیغ ستبر شاهنشاهی گذر کرده بود. مشروطیت، جایگاه شاه را از ظل‌اللهی و نماینده‌ی خداوند به یک انسان تشریفاتی و معمولی تبدیل کرد که باید تنها سلطنت کند نه حکومت. مشروطیت حق پادشاهی را نه همچون موهبت الهی، بلکه مبتنی بر اراده‌ی ملت قرار داد؛ یعنی مبنای مشروعیت حکمرانان را از پدیده‌ای آسمانی و موروثی و خاندانی به زمین آورد و آن را بر بنیاد قرارداد اجتماعی و مشارکت عمومی و برخاسته از اراده‌ی ملت استوار ساخت.

مشروطیت، قدرت متمرکز و مطلقه‌ی شاه را در درون نهادهای دموکراتیک توزیع کرد و تفکیک و تقسیم قوا و آزادی‌های مدنی را در ساخت‌های گوناگون به ارمغان آورد و این آرمان، چند دهه بعد در دوره‌ی نهضت ملی بار دیگر اجرا شد؛ اما گفتمان شاه‌گرایانه دوره‌ی پهلوی در تضاد کامل با این گفتمان قرار داشت و این همان ایدئولوژی پنهان در مذاکرات و مصوبات مجلس بود که در همه‌ی اجزای نظام سیاسی و اجتماعی و در همه‌ی سطوح و لایه‌ها و به‌ویژه در آثار تاریخ‌نگارانه با قوت تبلیغ می‌شد و می‌کوشید نوع نگاه ایرانیان به واقعیت‌های تاریخی را تغییر دهد، پیام‌های زبانی متفاوتی عرضه کند، نظام معنایی متفاوتی شکل دهد، ذهنیت و هویت ایرانیان را متناسب با کارکردهای اجتماعی این گفتمان دگرگون سازد و گفتمان سلطنت را بازتولید کند.

منابع

- اعتمادمقدم، علیقلی (۱۳۴۶). **پادشاهی و پادشاهان از دیده ایرانیان بر بنیاد شاهنامه فردوسی**. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- امام شوشتری، محمدعلی (۱۳۵۰). **تاریخ شهرسازی در شاهنشاهی ایران**، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- بارت، رولان (۱۳۸۷). **درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها**. ترجمه محمد راغب. تهران: فرهنگ صبا.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶). **آموزش دانش سیاسی**. تهران: نگاه معاصر.
- پهلوی، محمدرضا (۲۵۳۵). **مأموریت برای وطن**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ (۱۳۵۶). **به سوی تمدن بزرگ**. تهران: طهوری.
- _____ (۱۳۷۱). **پاسخ به تاریخ تهران**. حسین ابوتراییان. تهران: مترجم.
- رضا، عنایت‌الله (۱۳۵۵). **پیوستگی آیین شاهنشاهی با زندگی و معتقدات ایرانیان**. تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر.
- روحانی، حمید (بی‌تا). **بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی**. چ ۱۱. تهران: راه امام.
- سنگوی، رامش (بی‌تا). **آریامهر شاهنشاه ایران**. تهران: بی‌نا.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۵۱). **شاهنشاهان و سنت‌های ایرانیان**. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- شاه‌حسینی، ناصرالدین (۱۳۵۱). **پیوند شاه و مردم**. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۴). **تاریخ شاهنشاهی ایران و مقام معنوی آن**. تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر.
- صلح‌جو، علی (۱۳۷۷). **گفتمان و ترجمه**. تهران: مرکز.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). **گفتمان و جامعه**. تهران: نشر نی.

- فردوست، حسین (۱۳۷۱). **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی**. ج ۱. تهران: اطلاعات.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۴) **ایران امروز**. تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۱). **ناسیونالیسم در ایران**. ترجمه احمد تدین. تهران: کویر.
- گل‌آقا، فردوس (۱۳۸۵). **تحلیل گفتمان انتقادی**. تهران: علمی و فرهنگی.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۲). **تاریخ سیاسی معاصر ایران**. ج ۲. قم: اسلامی.
- ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۶). «کودتای ۲۸ مرداد و تغییر در نظام سیاسی و فکری ایرانیان». **مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی**. س ۱۷. ش ۶۶. دانشگاه الزهراء.
- میرخلف‌زاده، حسین (۱۳۵۵). «سیری در تاریخ شاهنشاهی ایران از منشور کوروش تا منشور شاهنشاهی آریامهر». تهران: اقبال.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۳). **تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)**. ج ۱. تهران: رسا.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴). **اقتصاد و جامعه: مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی**، **جامعه‌شناسی اقتصادی، جامعه‌شناسی سیاسی**. ترجمه عباس منوچهری و دیگران. تهران: مولی.
- ون‌دایک، تئون ای (۱۳۸۲). **مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی**. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۸). **نظریه گفتمان، روش و نظریه در علوم سیاسی**. ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی. تهران: مطالعات راهبردی.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹). **سیاست**. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر نی.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۷). **گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی**. تهران: هرمس.
- یورگسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۱). **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

روزنامه‌ها

- **روزنامه اطلاعات**. «نزاع بین سرباز وظیفه و سرباز پیمانی گارد». ۱۳۴۴/۱/۲۱.
- _____ «دیروز در کاخ مرمر حادثه سوئی وقوع یافت و ۳ نفر کشته شدند، تحقیقات درباره حادثه ادامه دارد». ۱۳۴۴/۱/۲۲. ص ۱
- _____ «احساسات مردم درباره حادثه کاخ مرمر». ۱۳۴۴/۱/۲۳.
- _____ «سلامت وجود شاهنشاه». ۱۳۴۴/۱/۲۵.
- _____ «شاه چه کرده؟». ۱۳۴۴/۱/۲۵.
- _____ «وجود شاهنشاه یک موهبت الهی برای ملت ایران است». ۱۳۴۴/۱/۲۵.
- _____ ۱۳۴۴/۱/۲۵.
- _____ «جریان واقعی کاخ مرمر». ۱۳۴۴/۱/۲۶.
- _____ «استواران شهید واقعه کاخ مرمر». شنبه ۱۳۴۴/۱/۲۸.
- _____ «قهرمانان واقعه کاخ چگونه شهید شدند؟». یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۴۴.
- _____ «خانواده استواران شهید به حضور شاهنشاه رسیدند». سه شنبه ۱۳۴۴/۱/۳۱.
- _____ «تا سن قانونی ولیعهد، شورای سلطنت تشکیل می شود». پنجشنبه ۱۳۴۴/۲/۲.
- _____ پنجشنبه ۱۳۴۴/۲/۲.
- _____ مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی. دوره ۲۱. جلسه ۱۶۸، ۲۲ فروردین ۱۳۴۴.
- _____ دوره ۲۱. جلسه ۱۷۲. ۲ اردیبهشت ۱۳۴۴.
- _____ دوره ۲۱. جلسه ۱۶۹. ۲۶ فروردین ۱۳۴۴.
- _____ دوره ۲۱. جلسه ۱۷۱. ۳۱ فروردین ۱۳۴۴.